



هفته نامه زندانها و زندانیان ایران در هفته ای که گذشت (هفته نامه کمیته نه به زندان نه به اعدام) - شماره ۳۲

**"Weekly Review Prisons And Prisoners" (Issued by the committee of "No to prison No to execution")**

اخبار زندانها و زندانیان ایران، فراخوان ها، حمایتها، یادواره روزها و خاطرات زندانیان

• تاریخ: ۲۱ اسفند ماه ۱۳۹۵

# ۸ مارس روز جهانی زن بر مادران داغدار و رنجدیده گرامی باد



۸ مارس روز جهانی زن بر مادران داغدار و رنجدیده  
گرامی باد



زندگانی  
نه به اعدام

نه به اعدام

## اخبار زندانیان سیاسی

\*\*\*

زن ایرانی...! اثری از آتنا فرقدانی



"به مناسبت روز جهانی زن"

\*\*\*

نگاهی به هفته ای که گذشت

در هفته گذشته حداقل ۱۲ زندانی با اتهامهای مواد مخدر و قتل؛ اعدام شدند. از این تعداد دو نفر زن و بقیه مرد بودند. یکی از این زندانیان در زندان مراغه در ملاعام به دار آویخته شد. این زندانیان در زندانهای شهرهای همدان، ساری، بویین زهرا در قزوین؛ رشت؛ شاهرود و ارومیه اعدام شدند.



همچنین چند زندانی از شهرهای شیروان و زندان دیزل آباد کرمانشاه جهت اعدام منتقل شدند که از وضعیت آنها اطلاعی در دست نیست. در اراک نیز یک زندانی به شش بار قصاص و ۸ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

حداقل سه زندانی در زندان گوهردشت دست به خودکشی زدند. دو تن از آنان در سالن ۱۱ و دیگری در سالن ۱۰ این زندان بود.

در خصوص قصاص در هفته جاری حکم قطع دست یک زندانی به اتهام سرقت در خوی صادر شد و در دیوان عالی کشور به تایید رسید.

در خصوص بازداشتیه‌های هفته گذشته حدود ۵۰ نفر به اتهامات مختلف بازداشت شدند. از این تعداد بیش از ۳۰ نفر در مهمانی در اهواز، تعدادی

فعال تلگرامی در رامهرمز و بقیه فعالین سیاسی یا فعالین در محیطهای مجازی در شهرهای اهواز و تبریز و تهران دستگیر شدند.

تعدادی از فعالین آذربایجانی در شهرهای اهر، مشکین شهر و اردبیل به دادگاه احضار شدند. اتهام اکثر آنها شرکت در تظاهرات در اعتراض به برنامه فیتیله صدا و سیما بود.

در این هفته زندانی سیاسی مهدی فراچی شاندیز از زندان گوهردشت به زندان بوئین زهرا در استان قزوین تبعید شد.

\*\*\*

ادای احترام به زنان مبارز ایران در آستانه ۸ مارس

روز جهانی زن

زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر، خالد حردانی در نامه ای روز جهانی زن را به همه زنان ایران تبریک گفته و مقاومت زنان ایران در برابر زندان و شکنجه و اعدام را ستود.

روز جهانی زن اگر چه بر پایه یک واقعه تاریخی و مشخص توسط اعتراضات زنان کارگر صنعت نساجی نیویورک در ۸ مارس ۱۸۵۷ شکل گرفت، اما جنبشی است پویا برای گرامی داشت مبارزات



تاریخی، زنان، برای رهایی و آزادی، نه به تبعیض مضاعف و برابری حقوق است، مقاومتی ستودنی و یک نیروی اساسی برای تغییر در برابر بنیادگرایان تاریخ بشر بوده است.

زنان ایران در این مبارزه نیز سهم به سزایی داشته اند و در برابر طرح شدید ضد انسانی سرکوب، بنیادگرایی مذهبی و سیاست های انحصارطلبانه و تبعیض های سیستماتیک علیه زنان، در ۳۸ سال گذشته، مقاومت و ایستادگی کردند.

مقاومت زنان ایران در برابر زندان، شلاق و شکنجه و اعدام، به عنوان یک نیروی محرکه و تغییر اساسی در برابر سیاست های زن ستیزی رژیم آخوندی قابل احترام بوده و می بایست شجاعت زنان را ستود و به آن درود فرستاد، کنار آنان ایستاد تا به خواسته های خود مبنی بر آنچه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید شده است برسند، ماده ۲ اعلامیه جهانی گویای واضح و روشن از تمام ابعاد انسانی است که ملل می بایست به آن احترام بگذارند و در راستای آن کوششی کنند، به امید آزادی، برابری و عدالت و صلح در جهان، روز جهانی زنان را به تمام مادران و زنان مبارز ایران زمین تبریک می گوئیم.

خالد حردانی زندانی سیاسی زندان رجایی شهر کرج (گوهردشت)

\*\*\*

## تصویری از وضعیت اسفناک زندانیان در زندان اردبیل

تهیه چای خشک، قند و مواد بهداشتی از جمله مایع ظرفشویی به عهده خود زندانیان است.

### وضعیت بهداشت در بندها:

وضعیت بندها بسیار غیربهداشتی است و امکانات درمانی تقریباً وجود ندارد. به طوری که اصلاً زندانیان از ناحیه دهان و دندان مشکل دارند و عفونت و پوسیدگی دندان و لثه از بیماریهای شایع زندان است. هیچ اقدامی در رابطه با درمان و پیشگیری این موارد توسط مسئولین زندان انجام نمی شود. بیماریهای معده و گوارش به دلیل غذاهای خشک، بی کیفیت و آب ناسالم و آلوده شایع است. همچنین بیماریهای پوستی در زندان بیداد می کند.

در این زندان اصلاً دارو و درمانی برای مبتلایان به بیماریها وجود ندارد. بخاطر برودت هوای اردبیل و اجباری بودن هواخوری، زندانیان به بیماریهای آنفولانزا و سرماخوردگی مبتلا می شوند.

در فروشگاه دولتی زندان قیمت مواد اکثراً خیلی گران است. اجناس تاریخ گذشته و بی کیفیت هستند و هیچگونه نظارتی وجود ندارد. علیرغم پیگیری زندانیان هیچ اقدامی صورت نگرفته است. در فروشگاه زندان اساساً خمیردندان و مسواک اصلاً وجود ندارد.

تعداد زندانیان بیشتر از ظرفیت بند و اتاقهاست. بطوری که بخاطر کثرت جمعیت، زندانیان باید داخل سالن و کریدور و جلوی سرویس های بهداشتی به صورت کف خواب با دو تا پتو روی زمین خالی و سرد بخوابند. زندانیان کف خواب بخاطر غیربهداشتی بودن محیط، در معرض گزش جانوران موذی مثل شپش و ساس و ... هستند.

### وضعیت متهمین و محکومین:

وضعیت قضایی پرونده ها بدین صورت است که بسیاری از زندانیان سالیان به بلاتکلیف هستند. در مواردی زندانی پس از ۴ سال یا بیشتر هنوز به دادگاه نرفته و پرونده ای برای وی تشکیل نشده است.

برای بعضی از زندانیان حکم اعدام صادر شده و منتظر اجرای حکم هستند. این زندانیان بدلیل استرس و اضطراب و نگرانی های زیاد دچار افسردگی و بیماریهای روحی و روانی شده اند. آنها بخاطر تمدد اعصاب روی به مصرف متادون و مواد مخدر روی می آورند. اعدامیها را بعضاً دو روز قبل و اکثراً شبها قبل از خاموشی به صورت ناگهانی و بی خبر به سلول انفرادی می برند و قبل از طلوع خورشید، هنگام اذان صبح اعدام می کنند.

اعدامها را با حضور تمام پرسنل زندان و فیلمبرداری هم انجام می دهند. تلفن ها را در این زمانها قطع می کنند و بعضاً در اخبار استان خبر اعدام را اعلام می کنند.

تعداد زیادی از زندانیان که در ارتباط با مواد مخدر دستگیر شدند حکم ابد دارند و بدون کم شدن ایام حبس، تحمل کیفر می کنند و خانواده های آنها متلاشی شده و یا به طلاق انجامیده است.

تعداد زیادی از زندانیان بخاطر رد مال سالهاست در زندان مانده اند. عده ای مدت ۱۲-۱۳ سال بخاطر ۲-۳ میلیون تومان حبس کشیده اند. عده ای قصاص و قتلی هستند که ۱۵ سال و حتی تا ۲۰ سال زندانی

جمعیت زندانیان در زندان اردبیل حدود ۲۵۰۰ نفر است. اتهام ۱۵۰۰ نفر از این زندانیان مواد مخدر اعلام شده است. از این تعداد حداقل ۴۰ نفر محکوم به اعدام و ۶۰ نفر محکوم به قصاص هستند. حدود ۲۰۰ نفر به اتهامات مالی در حبس بسر می برند. حدود ۵۰۰ نفر به اتهام سرقت و ۱۵۰ نفر بدلیل درگیری با مامورین دستگیر شده اند. حدود ۱۰۰ نفر نیز به اتهام رابطه نامشروع دستگیر شده اند. بعضی از محکومین به حبس؛ بدلیل اتهامات مربوط به مواد مخدر در سنین پایین هستند. زندانیان سیاسی این زندان از زندانیان عادی بکلی جدا و بصورت ایزوله نگه داری می شوند.

### عوامل زندان:

رئیس زندان بنام یعقوب و رئیس حفاظت پرویز سورآذر؛ هر دو زیر نظر رئیس حفاظت کل زندانهای استان اردبیل فردی بنام جوادی قرار دارند. همگی آنها از هر آنچه در زندان اردبیل می گذرد مطلع هستند و به عمد و مخصوصاً به وضعیت نابهنجار موجود در زندان دامن می زنند.



رئیس اجرای احکام و دادگاه عمومی و انقلاب و دادستان هر از چند گاهی برای سرکشی به صورت تشریفاتی به داخل بندهای زندان می روند. ولی هیچ وقت با زندانیان صحبت نمی کنند و مشکلات زندانیان را نمی شنوند.

کارمندان زندان اعم از ریاست زندان و زیردستانش به زندانیان بعنوان افراد جانی نگاه می کنند و همواره با توهین با شخص برخورد می کنند بطوری که زندانی هیچ حقی برای اعتراض یا پیگیری برای خودش نمی بیند. هیچ نهادی به حرف زندانیان گوش نمی کند.

### وضعیت غذایی:

در این زندان؛ زندانیانی که بصورت نیمه باز در زندان نگهداری می شوند کار پخت و پز و آشپزی را انجام می دهند و برنامه نظارت بر وضعیت غذایی از نظر بهداشتی و علمی به لحاظ کیفیت غذایی وجود ندارد.

صبحانه یک تکه پنیر ۲۰ گرمی و نهار هم بسیار کم، خشک و بدون روغن و شام یک عدد تخم مرغ با یک عدد سیب زمینی می باشد. به دلیل گرسنگی؛ گاهی اوقات زندانیان بخاطر یک بشقاب غذا با هم درگیر می شوند.

سهمیه نان زندانیان روزی دو و نیم قرص نان لواش کاغذی می باشد. آب آشامیدنی از چاه گرفته می شود که ناسالم و غیر بهداشتی است. اداره بهداشت تایید کرده که به دلیل استفاده از این آب ناسالم، بسیاری از زندانیان به بیماریهای عفونی و گوارشی مبتلا می شوند.

امور مالی؟! اداره کل زندانهای سیستان و بلوچستان را برعهده دارد، هنوز هم به روال سابق سهم خود از کلیه درآمدهای نامشروع در زندان زابل را دریافت می کند.

\*\*\*

### بیانیه مشترک عفو بین الملل و ۲۰ گروه حقوق بشری

۲۰ گروه حقوق بشری از جمله سازمان عفو بین الملل در بیانیه‌ای مشترک از مقامات ایرانی خواستند که باید آزار و اذیت، ارباب و تعقیب قضایی مدافعان حقوق بشری که به دنبال حقیقت و عدالت به نمایندگی از اعدام‌شدگان و ناپدیدشدگان قهری دهه‌ی ۶۰ و خانواده‌های آنها هستند پایان یابد.

این آزار و اذیتها نشان از تلاش مجدد مقامات ایران برای سرکوب مبارزاتی دارد که بیش از سه دهه است برای روشن شدن حقیقت درباره نقض فاحش حقوق بشر از سوی مقامات ایرانی در طول دهه‌ی ۶۰ از جمله اعدام‌های فراقانونی چندین هزارتن در تابستان ۱۳۶۷ و دفن آنها در گورهای دسته‌جمعی بی‌نام‌ونشان در جریان است.

در طی چند ماه گذشته، چندین مدافع حقوق بشر از جمله منصوره بهکیش، مریم اکبری‌منفرد و راحله راحمی‌پور به دلیل فعالیت‌های مسالمت آمیز خود در راستای دانستن حقیقت درباره سرنوشت و محل دفن عزیزان‌شان مورد آزار و اذیت، اقدامات تلافی‌جویانه و اتهامات مبهم امنیتی قرار گرفتند.

تازه ترین موج سرکوب و آزار و اذیت کسانی که به دنبال دانستن حقیقت و اجرای عدالت هستند ظاهراً از مردادماه ۱۳۹۵ و به دنبال انتشار فایل صوتی سخنان آیت الله منتظری درباره اعدام‌های سال ۱۳۶۷ آغاز شده است. در این فایل صوتی مقام‌های ارشد ایران در حال بحث و دفاع از جزئیات برنامه‌های‌شان برای انجام اعدام‌های دسته‌جمعی سال ۱۳۶۷ هستند.



انتشار این فایل صوتی امواج شوکه‌کننده‌ای را به سراسر ایران مخابره کرد و مقام‌های ایران را وا داشت که برای اولین بار اذعان کنند اعدام‌های دسته‌جمعی تابستان ۱۳۶۷ در بالاترین سطوح دولت برنامه‌ریزی شده بود. احمد منتظری، فرزند حسین‌علی منتظری که در آن زمان قائم مقام رهبری بود، به دلیل انتشار فایل صوتی در وبسایت پدرش به حبس محکوم شده است.

بوده اند و بخاطر قصاص تعیین تکلیف هم نشده اند. خلیجها هم حبسشان تمام شده ولی آزادی آنها ابلاغ نمی شود.

در داخل بندها مواد مخدر به وفور و با قیمت ارزان و به صورت سازمان یافته توسط خود پرسنل و بعضا مدیر داخلی زندان و با هماهنگی حفاظت زندان بصورت غیرمستقیم توزیع می شود.

هر کسی که بتواند پول مواد مخدر را پرداخت کند، می تواند مواد مخدر مصرف کند. شیشه، حشیش و هروئین و کراک به وفور یافت می شود و متادون هم با پرداخت مبلغی حدود ۶۰ هزار تومان توسط زندان بعنوان سهمیه روزانه به زندانیان داده می شود که باعث از بین رفتن اعضای بدن از جمله کبد و کلیه و ریه می شود. اکثراً زندانیها مثل مرده متحرک هستند.

\*\*\*

### اسماعیل عبدی را آزاد کنید

#### جای معلم در زندان نیست

در تجمع روز ۱۹ اسفند فرهنگیان شاغل و بازنشسته مقابل مجلس همسر و فرزندان معلم زندانی اسماعیل عبدی حضور داشتند.



\*\*\*

### سوءاستفاده از زندانیان زندان زابل برای کشت علوفه و

#### دامپروری در این زندان

مسئولان زندان زابل، محوطه وسیعی از این زندان را برای کشت انواع علوفه حیوانات اختصاص داده اند.

در این محوطه حیواناتی مانند گوسفند و شتر را برای چرا می برند. مازاد علوفه ها را هم زیر نظر یکی از پرسنل زندان به نام صابری به فروش رسانده و عایدات آن را بین خود تقسیم می کنند.

روشن است که در منطقه خشک و بی آب و علف زابل، قیمت انواع علوفه بسیار گران است و عوامل زندان زابل از این کار پول زیادی را به جیب می زنند. این وضعیت در شرایطی است که زندانیان این زندان، در دسته های ۲۴ یا ۲۸ نفره، در اتاقهای زندان بر روی هم انباشته شده اند. در محوطه بیرون زندان نیز هیچ خبری از زیبا سازی، درختکاری گل کاری وجود ندارد.

عده ای از زندانیان برای کشت و برداشت علوفه، چوپانی، تغذیه گوسفندان و یا بسته بندی و بارزدن علوفه و به فروش رساندن آنها به بیگاری گرفته می شوند.

البته این رسم ستمگرانه و بهره کشی از زندانیان از دوران رئیس قبلی زندان زابل به نام مهویدی به جا مانده است. او که اینک معاونت

در بند چهار سالن یازده فجایی در حال وقوع است که در این یک ماه سه نفر تاکنون خودکشی کرده اند و هر اعتراضی که می کنند مورد ضرب و شتم شدید قرار می گیرند .

زندانیان سیاسی سالن ۱۲ رجایی شهر از تمام فعالین حقوق بشری ومدافعین حقوق بشری تقاضای کمک برای این زندانیان که اغلب به دستور قاضی صلواتی به این سالن منتقل شده اند را دارند. بنا به همین گزارش زندانیان سیاسی سالن ۱۲ رجایی شهر، هر روز و بیشتر شبها در یک ماه اخیر شاهد صدای شکنجه شدن این زندانیان بوده و تحمل شنیدن این همه زجر هموطنانمان در زندان را ندارند و عاجزانه تقاضای کمک به این زندانیان را دارند.

\*\*\*

### خدایا چرا این روزها زندگی اینقدر سخته



این آخرین پست فیسبوکی کوکبر ۱۷ ساله‌ای است که به دلیل سرما در مناطق مرزی سردشت جانش را از دست داد.

کاروان رشکه در آخرین پست خود در صفحه فیس بوکش همراه عکس خود در برفهای محل زندگی اش چنین نوشت: خدایا چرا این روزها زندگی اینقدر سخته .

کاروان رشکه پسر جوان ۱۷ ساله سردشتی در مناطق مرزی سردشت به دلیل سرمازدگی جان سپرد.

\*\*\*

### دادخواهی مادر علی پژگل به خانم اسماء جهانگیر



مادر زندانی سیاسی بلوچ علی پژگل که هم اکنون با حکم ۱۵ سال در زندان اردبیل در تبعید است، نامه ای به خانم عاصمه جهانگیر گزارشگر

سازمان‌های حقوق بشری امضا کننده عمیقا درباره این تحولات نگران هستند و از مقامات ایران در خواست دارند که احکام صادرشده علیه مریم اکبری منفرد، راحله راحمی پور و احمد منتظری را نقض کنند، پرونده کیفری که علیه منصوره بهکیش در جریان هست را ببندند و مریم اکبری منفرد را نیز بدون قیدوشرط آزاد کنند.

\*\*\*

### فاجعه در جریان در سالن ۱۱ رجایی شهر سه خودکشی در

یکماه

تقاضای زندانیان سیاسی از مجامع بین المللی:

تحمل زجر هموطنانمان در سالن ۱۱ را نداریم

روز ۱۷ اسفند ماه گارد زندان در ساعات ده و نیم و ۴ بعد ازظهر برای چندمین بار به زندانیان بند ۴ سالن ۱۱ حمله ور شد.

بنا به گزارشهای رسیده به نه به زندان نه به اعدام؛ هر روز دو بار و بعضا شبها مامورین زندان با ریاست باقری و رئیس جدید بند ۴ بنام محمدی



به این سالن حمله ور شده و زندانیان را زیر باطوم گرفته با گاز اشک آور و شوکر زندانیان را چنان می زنند که سیاه و کبود می شوند.

در حمله آخرین حمله پنج تن از زندانیان این سالن به نامهای رضا ساکی -افشین کیانی- سید ایمان موسوی-ومهدی سرابی آن قدر شکنجه شدند که خون ادرار می کنند .رئیس بند محمدی با باطوم آنقدر به دستان این زندانیان زده که انگشتان آنها شکسته شده و دست و صورت ایشان خون آلود و ورم کرده است. این زندانیان مجروح را به بهداری منتقل نکردند .

در بند ۴ سالن ۱۱ فجایی در جریان است. در یک ماه اخیر، تاکنون سه نفر خودکشی کرده اند. این زندانیان با هر اعتراضی مورد ضرب و شتم شدید قرار می گیرند.

در شب چهارشنبه گذشته یکی از زندانیان بنام سید ایمان موسوی بعلت فشار زندانبانان دست به خود کشی زد که فوری به بیمارستان منتقل شد. شب یکشنبه زندانی دیگری بنام مهدی سرابی بر اثر فشارهای زیاد دست به خود کشی زد که او هم به بیمارستان منتقل شد و بعد از رسیدگی سطحی دوباره به بند چهار سالن یازده برگردانده شدند.

ویژه سازمان ملل متحد در امور ایران نوشت. خانم آمنه کوه نشین مادر این زندانی سیاسی در نامه دادخواهی خود از درد و رنجها و ستمهایی که بر وی و خانواده اش رفته می نویسد و خواهان آزادی فرزندش می شود.

با عرض سلام خدمت گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران

سرکار خانم اسما جهانگیر؛

اینجانب آمنه کوه نشین فرزند غلام با شماره شناسنامه ۲۲۲۲، سن ۵۷ سال، ساکن شهرستان بندر خمیر واقع در استان هرمزگان، مادر زندانی علی پژگل فرزند صالح با شماره شناسنامه ۳۳۸-۰۲۹۵-۷ متولد ۱۳۷۰/۴/۹ می باشم.

من مادری هستم که سالهاست با درد و رنج روزگار سپری می کنم. من مادر پسری جوان هستم که در سن نوجوانی در ۱۸ سالگی یعنی هفت سال پیش، هنگامی که برای نماز صبح راهی مسجد شده بود، توسط مامورین وزارت اطلاعات دستگیر شد.

پسرم مرتکب گناهی نشده بود و اینطور که خودش بعدها گفت، با اشخاصی ارتباط اینترنتی گرفت و به این خاطر دستگیرش کردند اما مرتکب عمل مجرمانه ای نشد. آن صبحی که پسرم علی دستگیر شد، مامورین اطلاعات بعد از دستگیری پسرم به خانه من هجوم آوردند و بازرسی از منزل کردند و با بد رفتاری و خشونت تمام رفتار کردند. انگار وارد میدان جنگ شده بودند. همه وسایل ها را به هم ریختند. قفل تمام کمدها را شکستند. هیچی گیرشان نیامد، اما آخسر ترقه های بازی پسرم را جمع کردند و بردند.

نمی دانستم موضوع از چه قرار است. بدون هیچ توضیحی رفتند. بعد از نانوا محله شنیدیم که پسرم علی را بعد از زدن کلی کتک با خود برده بودند. وقتی فهمیدم نگرانی تمام وجودم را فراگرفت و سراسیمه به دادگاه، کلانتری، زندان و اطلاعات و هرجایی که به ذهنم می آمد سر زدم. اما هیچ جا خبری از پسرم نبود. و نیز بعد از چند روز از دستگیری پسرم، شوهرم یعنی پدر علی را که کارمند شهرداری بود، بدون هیچ دلیلی از کارش اخراج کردند. یک ماه بعد، پسر بزرگم عبدالمجید را که در لنج سازی مشغول به کار بود، خواستند ترور کنند. به طرفش تیراندازی کردند ولی شکر خدا موفق نشدند و پسرم عبدالمجید جان سالم به در برد. بعد هم ناچار شد از کشور خارج شود و تا به امروز هم خبری از او ندارم. بعد از مدتی از خارج شدنش از کشور، خبر کشته شدنش را برای من آوردند ولی بعد خبر آمد که خبر کشته شدنش دروغ بوده. اما مشخص نشد کدام خبر دروغ بوده و کدام راست. ولی من بدون در نظر گرفتن این حرفها، هنوز هم منتظر پسرم عبدالمجید هستم و می دانم ان شاءالله پسرم برمیگردد.

بعد از ۷۰-۸۰ روز از دستگیری پسرم علی، به هر دری زدیم تا آخر فهمیدیم پسرم را وزارت اطلاعات زاهدان انتقال داده اند. بلافاصله راهی زاهدان شدم تا چشمم به جمال پسرم روشن شود، اما با برخورد تند و خشن وزارت اطلاعات زاهدان مواجه شدم. مامورین اطلاعات با گستاخی

و بی رحمی، تنها جوابی که به من، یک مادر نگران که هفتاد-هشتاد روز بود از پسرم خبر نداشتم، دادند این بود: "از اینجا برو، پسرت را اعدام می کنیم." بدترین جمله ای بود که در عمرم می شنیدم. بدترین جمله ای که می توان به یک مادر گفت: "از اینجا برو، پسرت را اعدام می کنیم."



زندان  
پسرایام

همراهان و دوستان گرامی  
فعالیت ما برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی - عقیدتی در زندانهای ایران و لغو حکم اعدام است. در  
این فعالیت حقوق بشری به کمکهای شما نیازمندیم.  
ما خواهان لغو حکم اعدام و آزادی تمامی زندانیان سیاسی - عقیدتی در ایران هستیم.

### ما را در آدرسهای زیر دنبال و همراهی کنید

وبلاگ

<http://zandaniran.blogspot.ca/>

گوگل پلاس

<http://plus.google.com/u/0/101584949307449724935/posts>

پیج

<http://on.fb.me/1MoYeri>

توییتر

@zandaniran۹۴

کانال تلگرام

[telegram.me/NoToPrisonNoToExecution](https://t.me/NoToPrisonNoToExecution)